

اثرات بانکداری سایه بر ریسک بانکی و کفایت سرمایه در بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی پورنجاتی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران. (نویسنده مسئول).

Pournejati.m@gmail.com

دکتر زهرا هوشمند نقابی

استادیار گروه حسابداری و مدیریت، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

houshmand_z@yahoo.com

شماره ۴۱ / بهار ۱۴۰۰ (جلد چهارم) / صص ۱۳-۲۸
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره چهارم)

چکیده

بهبود نسبت کفایت سرمایه در شبکه بانکی حداقل از دو کانال حاکمیت شرکتی و درگیر شدن منافع فعالان بازار مالی، می تواند به اثربخشی بیشتر نظارت داخلی و بیرونی، شفافیت و پاسخگویی بینجامد. مقررات حاکمیت شرکتی در زمینه بهبود وضعیت مالی بانک باعث کاهش ریسک شده و ممکن است با هدف اصلی سهامداران مبنی بر افزایش سهام باشد. در این راستا هدف پژوهش حاضر بررسی اثرات بانکداری سایه بر ریسک بانکی و کفایت سرمایه در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۹۸ (۱۴ بانک) می پردازد. بدین منظور با استفاده از روش بررسی میدانی و اسنادکاوی، اطلاعات استخراج شده با استفاده از روش های آمار توصیفی و الگوی رگرسیونی داده های تابلویی با نرم افزار ایویوز مورد آزمون و تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. نتایج حاصل از فرضیه نشان می دهد: بانکداری سایه بر ریسک بانکی تاثیر مستقیم معناداری دارد و بانکداری سایه بر کفایت سرمایه تاثیر معکوس معناداری دارد.

واژه های کلیدی: اثرات بانکداری سایه، ریسک بانکی، کفایت سرمایه.

مقدمه

عملکرد بانکها در بروز و نیز سرعت انتشار بحران اخیر در اقتصاد آمریکا و سرایت آن به اقتصاد سایر کشورها نقش بسزایی را ایفا کرده است. به طور کلی با آنکه ذات حرفه بانکداری به علت ویژگیهای خاص خود همواره مستعد دریافت انواع ناپایداریها از جمله بحرانها می باشد، لیکن از عوامل ساختاری فضای مالی بانکها که موجبات ایجاد بحرانهای مالی بانکی را فراهم می آورند میتوان به جهش اعتبارات یا وامدهی بی قاعده (توسعه سریع میزان اعتبار در کوتاه مدت)، عدم تطابق دارایی و بدهی و ناتوانی سیستم بانکی در پرداخت دیون ناشی از ضعف در مدیریت نقدینگی اشاره نمود. همچنین بروز علائم و نشانه هایی مبنی بر حجم نامتعارف نقدینگی خلق شده در بازار به ویژه در بانکها میتواند نشانگر پیدایش و بروز بحرانی بالقوه در سیستم مالی قلمداد گردد. زمانی که بحران بانکی شروع میشود، به سرعت گسترش مییابد. در توضیح این جمله به طور کلی میتوان گفت، از بین رفتن اعتماد به نهادهای مالی و ورشکستگی طلبکاران بارزترین شاخصه بروز بحران می باشد. به دلیل وجود

بحران و عدم توانایی مالی بدهکاران که از بیکاری و یا کم درآمدی آنها نشات میگیرد، بانکها با عدم دریافت مطالبات خود روبرو شده و در نتیجه ذخایر نقد آنها رو به کاهش نهاده و با افزایش ریسک نقدینگی قادر به ایفای تعهدات خود در قبال سپرده گذاران نمی باشند. نتیجه اینکه بحران مالی موجب سلب اعتماد عمومی و هجوم سپرده گذاران به بانکها جهت بازپس گیری سپرده های خود می باشند.

بیان مساله

واژه بانکداری سایه اولین بار توسط مک کولای (۲۰۰۷) ابداع شده و بلافاصله توجهات زیادی را معطوف خود داشت. با این وجود، مطالعات انجام شده در مورد بانکداری سایه نتوانسته اند به تعریف جامعی در مورد آن برسند. بانک فدرال نیویورک (۲۰۱۰) و هیات پایداری مالی (۲۰۱۱) دو تعریف را برای بانکداری سایه بیان کرده اند. اگرچه این دو تعریف کمی متفاوت است، اما هر دو مشارکت واسطه های مالی غیرقانونی را در انتقالات سررسید، اعتبار و نقدینگی مورد بررسی قرار داده اند. پوزسار و همکاران (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیده اند که بانک های متعارف سایه این انتقالات مالی را به شیوه ای انجام می دهند که با رویکردهای بانک های سنتی مشابه است، اما مشارکت بانک های سایه خارج از سیستم های بانکداری رسمی صورت می گیرد. بنابراین، به طور خلاصه می توان گفت که بانک های سایه در کشورهای غربی اساساً به عنوان موسسه های مالی غیربانکی تعریف شده اند که خارج از سیستم های بانکداری فعالیت می کنند، اما همچنان به سیستم نقدینگی تزریق می کنند. تفاوت بانک های سایه با بانک های رسمی آن است که بانک های سایه به سپرده ها، منابع نقدینگی عمومی (مانند پنجره دیسکونت ذخایر فدرال) و منابع دولتی بیمه (مانند حمایت مالی از شرکت بیمه ذخایر فدرال) دسترسی ندارند. عدم دسترسی به منابع نقدینگی دولتی یا به ضمانت های بخش دولتی می تواند ریسک های سیستماتیک برای آنها ایجاد کند (هیات پایداری مالی، ۲۰۱۲).

اخیراً توجهات زیادی به سمت بررسی اثرات بانک های سایه بر سیستم های اقتصادی معطوف گشته است. بانک های سایه به نوع موسسه ای اشاره دارند که تحت قوانین نظارتی فعالیت نمی کنند (مک کولای، ۲۰۰۷؛ پوزسار و همکاران، ۲۰۱۰). طرفداران بانک های سایه این بانک ها را به عنوان نوآوری معرفی می کنند که کانال های مالی اقتصادی را تقویت کرده و در سیستم مالی مبتنی بر بازار نقش دارد. صندوق پول بین المللی (۲۰۱۴) بیان کرده است که بانکداری سایه می تواند به اعتباراتی دسترسی داشته باشند که از نقدینگی بازار، انتقالات سررسید و تسهیم ریسک حمایت کند. اما، منتقدان این نوع بانکداری اعتقاد دارند که وجود این نوع بانک ها منجر به افزایش سطح بدهی و کاهش شفافیت مالی می شود که ریسک های زیادی را تحمیل می کند (آلن و همکاران، ۲۰۱۶). هیات پایداری مالی (۲۰۱۴) هشدار داد که بانک های سایه در بازارهای نوظهور خطرات زیادی را برای اقتصاد کل جهان دارند.

با توجه به روند روز افزون گسترش بانکداری سایه ای در ایران، که تداوم این روند نیز برای سال های آینده پیش بینی می شود، ضرورت به کنترل درآمدن فعالیت های آن در راستای ثبات بازار مالی کشور بیش از پیش اهمیت می یابد. به خاطر داریم که ضعف در کنترل برخی موسسات اعتباری در ماه های گذشته، منجر به بروز چه شبه بحران هایی برای بازار پولی کشور شد. شناسایی انواع ریسک های موجود در فعالیت های موسسات بانکداری سایه توسط یک مقام ناظر و همچنین قاعده گذاری توسط سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی می تواند به سازماندهی این نظام در اقتصاد پولی کشور کمک نماید.

در بانکداری سایه‌ای، به دلیل عدم الزام به پرداخت سپرده قانونی (مانند اغلب موسسات اعتباری)، فرصت کاهش بهای تمام شده پول وجود دارد که می‌تواند نرخ‌های سود موجود در بازار را متاثر، آهنگ انباشت منابع پولی در بانکداری رسمی را کند و زمینه را برای هدایت منابع به بانکداری سایه‌ای فراهم کند. لذا نظارت موثر و همزمان بر بازار غیر متشکل پولی و بخش بانکداری در راستای تعیین دقیق حوزه فعالیت و دسته بندی ماموریت هر یک از بانک‌ها از سوء عملکرد این بخش در نظام پولی کشور می‌کاهد.

از جمله مسائل مهم در صنعت بانکداری، احتمال ورشکستگی و ناتوانی بانک‌ها در انجام تعهدات مالی ایجاد شده است که با شدت گرفتن روند خصوصی‌سازی و دور شدن نظام بانکی از فضای امن مالکیت دولتی، بانک‌ها را با چالشی بزرگ در زمینه ادامه فعالیت‌های خود مواجه ساخته است. در این راستا، اولین و مهم‌ترین عاملی که می‌تواند بانک‌ها را در مقابل خطرهای ناشی از ورشکستگی و ناتوانی مصون سازد، وجود عامل نسبت کفایت سرمایه به دارایی‌های بانک است. نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه شامل سرمایه اصلی (سرمایه ثبت شده، سود انباشته، اندوخته قانونی، سهام و سایر اندوخته‌ها) و سرمایه تکمیلی بر مجموع دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک بر حسب درصد است.

سرمایه، رکن مهم پشتوانه مالی هر بانک است که بانک را قادر می‌سازد هنگام رویارویی با مشکلات اقتصادی توانایی بازپرداخت بدهی خود را داشته باشد. همچنین نقش مهمی در ثبات مالی بانکها و انگیزه های ریسک پذیری آنها ایفا میکند. از آنجا که تضمین نگهداری وجوه منابع سرمایه ای معتبر موج کاهش ریسک پذیری بانکها می‌گردد، لذا یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی بانکها نسبت کفایت سرمایه است. نسبت کفایت سرمایه یک شاخص کلیدی در تحلیل وضعیت بانک به شمار می‌رود که با توجه به آن می‌توان متوجه شد که دارایی‌های بانک تا چه حد در سبد مناسبی سرمایه‌گذاری شده و از لحاظ ریسک و به کارگیری سرمایه در دارایی‌های مختلف از وضعیت مناسبی برخوردار است. هم‌اکنون، اعمال مدیریت بر روی شاخص مهم نسبت کفایت سرمایه از سوی بانک‌ها جدای از اهمیت ابعاد مقرراتی و احتیاطی، به یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی وضعیت مالی بانک‌ها در سطح ملی تبدیل شده و در تنظیم مرادوات بین‌المللی مؤثر است. از طرف دیگر، برآورده ساختن سود مورد انتظار سهامداران و حفظ قیمت سهام بانک‌ها در بازارهای رقابتی نیازمند نگرش و اقدامات بسیار جدی‌تری در زمینه حصول شاخص‌های مطلوب فعالیت است که از آن میان، نسبت کفایت سرمایه از اهمیت به مراتب بیشتری برای سهامداران و سایر سرمایه‌گذاران بانکی برخوردار است.

با توجه به مطالب فوق پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال که بانکداری سایه بر ریسک بانکی و کفایت سرمایه در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چه تاثیری دارد؟

پیشینه پژوهش

طالبی و سلگی (۱۳۹۵) بررسی رابطه بین ریسک و نسبت کفایت سرمایه: شواهدی از بانک‌های ایرانی. تأکید بر اجرای الزامات سرمایه‌ای هم با استفاده از فشارهای قانونی و هم نیروی بازار به منظور افزایش تاب‌آوری بانک‌ها در مواقع بحران و نیز به‌عنوان ابزاری برای کاهش ریسک بانک‌ها، هدف اصلی قانون‌گذاران حوزه بانکی است. در این تحقیق تلاش می‌شود رابطه بین ریسک و نسبت کفایت سرمایه، کفایت الزامات سرمایه‌ای در کنترل ریسک و نیز رفتار بانک‌ها دارای سطوح مختلف سرمایه با استفاده از داده‌های بانک‌های ایران در دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۴ و با به‌کارگیری روش معادلات هم‌زمان (SEM) مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که رابطه‌ای دوطرفه بین ریسک و نسبت سرمایه وجود دارد، علاوه بر

فشارهای قانونی، الزامات بازاری سرمایه نیز بر تغییرات نسبت سرمایه اثرگذار است و بانک‌های دارای سرمایه پایین با سرعت کمتری سرمایه خود را تعدیل می‌کنند.

فتاحی و همکاران (۱۳۹۵) تأثیر سلامت بانکی بر سودآوری بانکهای تجاری: رویکرد رگرسیون پانل آستانه را بررسی نمودند. نتایج نشان می‌دهد که مقادیر کفایت سرمایه بیشتر از آستانه $23/10$ درصد تأثیر مثبت و معنیداری سودآوری بانکهای تجاری در ایران دارد، درحالی‌که مقادیر کفایت سرمایه کمتر از آستانه $23/10$ درصد تأثیر منفی و معنیداری بر سودآوری بانکها دارد. همچنین نتایج حاکی از تأثیر معنیدار سایر معیارهای سلامت بانکی؛ کیفیت داراییهای بانکی، کیفیت مدیریت، کیفیت نقدینگی و حساسیت به ریسک بازار بر سودآوری بانکهای مورد بررسی است.

قمی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر اهرم مالی و نقدینگی بر مدیریت سود و سرمایه بانکهای تجاری ایران پرداختند. تحقیق حاضر به بررسی رابطه بین اهرم مالی و نقدینگی و مدیریت سود و سرمایه بانکهای تجاری پذیرفته شده در بازار سهام، طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ پرداخته است. در این تحقیق، با استفاده از مدل رگرسیون مبتنی بر داده‌های پانلی، فرضیه همبستگی بین این متغیرها مورد آزمون قرار می‌گیرد. داده های بانکها از صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه آنها استخراج شده و برای طبقه‌بندی داده ها از نرم‌افزار Excel و به منظور تحلیل داده ها، از نرم افزار EViews استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه-ها نشان می‌دهد، بین نسبت‌های نقدینگی و اهرم مالی در بانک‌های تجاری و مدیریت سود و سرمایه رابطه معنی‌داری وجود دارد.

شریفی (۱۳۹۶) به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی با ریسک پذیری و عملکرد بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج تحلیل فرضیه اول تحقیق نشان داد که از بین متغیرهای حاکمیت شرکتی متغیرهای مستقل استقلال هیات مدیره و درصد مالکیت مدیرعامل و اعضای هیات مدیره با ریسک پذیری بانکها رابطه معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل فرضیه دوم تحقیق نشان داد که از بین متغیرهای حاکمیت شرکتی، متغیرهای مستقل اندازه هیات مدیره و درصد مالکیت مدیرعامل و اعضای هیات مدیرهها عملکرد بانکها رابطه معنادار دارند.

دهنوی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی عوامل تعیین کننده ریسک‌پذیری بانکها در ایران با تأکید بر ساختار مالکیت پرداختند. یافته‌های این مطالعه که از یک نمونه داده‌های تابلویی شامل ۱۸ بانک طی سالهای ۱۳۹۳-۱۳۸۸ استفاده می‌کند، نشان می‌دهد به‌طور کلی بانک‌هایی که دارای تمرکز مالکیت بالایی هستند، در معرض ریسک بیشتری قرار دارند. تمرکز مالکیت در بانکهای خصوصی باعث افزایش ریسک و کاهش شاخص ثبات شده و در بانکهای دولتی، موجب افزایش ریسک (مانند بانکهای خصوصی ولی با شدت کمتر) و افزایش شاخص ثبات (خلاف رفتار بانکهای خصوصی) می‌شود. همچنین سایر نتایج نشان می‌دهد که اندازه بانک، سودآوری، بهره‌وری و نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی، روی ریسک‌های اعتباری و ثبات بانک‌ها، تأثیر معناداری دارند.

کریستنی همکاران (۲۰۱۳) از تغییرپذیری بازده سهام برای اندازه‌گیری ریسک در بررسی ارتباط بین راهبری شرکتی و ریسک‌پذیری استفاده کردند. آنها دریافتند که تغییرپذیری بازده سهام به‌طور منفی با متغیرهای راهبری، استقلال هیات مدیره و واجد شرایط بودن آنها مرتبط است.

هاتکینسون و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی رابطه راهبری شرکتی، ریسک و بازده و مالکیت نهادی پرداختند و نتایج نشان داد که رابطه بین ریسک و عملکرد به وسیله کیفیت راهبری شرکتی تعدیل می‌شود.

گوش (۲۰۱۴) نشان داد که بانکها در واکنش به افزایش ریسک، میزان سرمایه خود را افزایش میدهند و همچنین نیروهای قانونی و نظم بازار تأثیر غیر یکسانی بر گرایش بانکها به ریسک و سرمایه دارد. به عقیده این محقق رابطه مثبت سرمایه و ریسک نشان میدهد که قواعد سرمایه ای به تنهایی برای اطمینان از سلامت بانکها کافی نیست و باید با ابزارهای تنظیمی (قانونی) دیگری کامل شود.

دانگ و همکارانش (۲۰۱۴) به منظور بررسی اثرهای مالکیت دولتی و خصوصی بر ریسکپذیری بانکهای چینی از نمونه ای شامل ۱۰۸ بانک چینی طی سالهای ۲۰۰۳-۲۰۱۱ استفاده کردند. آنها از نسبت وام های معوق و نسبت کفایت سرمایه به عنوان متغیرهایی برای اندازه گیری درجه ریسک پذیری بانکها استفاده کردند و متغیرهای نوع مالکیت بانک (از نظر دولتی یا خصوصی بودن) و تمرکز مالکیت را نیز به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفتند. یافته های این تحقیق نشان میدهد بانکهای دولتی نسبت به بانکهای خصوصی، خود را در معرض ریسک بیشتری قرار میدهند. همچنین تمرکز مالکیت در بانکهایی که مالکیت دولتی دارند باعث ریسک پذیری بیشتر میشود، ولی در بانکهایی که مالکیت خصوصی دارند تمرکز مالکیت و ریسک پذیری رابطه منفی دارند.

ابو و سود (۲۰۱۷) به بررسی حاکمیت شرکتی و کفایت سرمایه بر ریسک پذیری بانک پرداختند. یافته ها نشان داد نتایج نشان داد که سهامداران متمرکز، با مالکیت مدیریت، هیات مدیره کوچکتر، و با مدیران خارجی کمتر، سرمایه گذاری های با ریسک کم را با توجه به کل دارایی، وام ها، و اقلام خارج از ترازنامه، اتخاذ می کنند. تأثیر کافی بودن سرمایه نیز قدرت بیش از حد اعطا می کند که منجر به حرکت به سمت مواضع با ریسک بیشتر می شود. سرانجام، بانکهایی که حاکمیت خوبی دارند، کمتر به سمت مواضع با ریسک زیاد می روند، حتی با نسبت سرمایه بیشتر طی بحران های مالی نسبت به دوره پیش از بحران. فیلکو و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از تئوری نمایندگی به بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و ریسک بانکی پرداخته شده است. با استفاده از پانل داده ۹۷ بانک بزرگ اروپایی در فاصله سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ بررسی شده و بدین وسیله بحران مالی بین المللی اخیر مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد که سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر ریسک بانکی تأثیر میگذارد. طی بحران مالی، سازوکارهای مختلف شرکتی می توانند تضاد نمایندگی را بین سهامداران و مدیران کاهش داده ها تسریع بخشد. در مدل تحقیق حاضر، اندازه بانک و سرانه تولید ناخالص داخلی نیز تأثیر قابل ملاحظه ای دارند.

فرضیه های پژوهش

- فرضیه اصلی:
اول: بانکداری سایه بر ریسک بانکی و کفایت سرمایه تأثیرگذار است.
- فرضیه های فرعی:
اول: بانکداری سایه بر ریسک بانکی تأثیرگذار است.
دوم: بانکداری سایه بر کفایت سرمایه تأثیرگذار است.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی است، هدف از تحقیق کاربردی به دست آوردن درک یا دانش لازم برای تعیین ابزاری است که به وسیله آن نیازی مشخص و شناخته شده برطرف گردد؛ لذا تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی است. در بخش اول این پژوهش، تحقیقات انجام گرفته در زمینه موضوع تحقیق، از کتب و مقالات معتبر و مجلات علمی و پژوهشی، پایان نامه های دانشجویی و سایت های اینترنتی معتبر گردآوری و مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. گردآوری اطلاعات مربوط به این پژوهش از سوابق مالی بانک ها و با مراجعه به کتابخانه ها، مجلات علمی، پایان نامه ها، سایت بورس اوراق بهادار و همچنین با استفاده از نرم افزار ره آورد نوین انجام می گیرد. بنابراین گردآوری اطلاعات بر اساس مطالعه، کتابخانه ای است. جامعه آماری این پژوهش، بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۹۸ می باشد. علت انتخاب جامعه آماری امکان دسترسی به داده های موجود در صورت های مالی بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است. در این پژوهش نمونه مورد مطالعه از طریق روش حذفی سیستماتیک از جامعه آماری انتخاب خواهد شد، به این ترتیب که نمونه آماری متشکل از کلیه بانک های موجود در جامعه آماری است که حائز معیارهای زیر باشند:

۱. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند باشد.

۲. در دوره (۶ ساله) مورد بررسی تغییر دوره مالی نداده باشند.

۳. اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش در دسترس باشد.

۴. سهام آن ها در بازار معامله شده باشد.

جدول (۱): نمونه آماری

ردیف	شرح	محدودیت	تعداد نمونه
	جامعه آماری در سال ۱۳۹۲		
۱	موسسات اعتباری غیربانکی	(۱)	۵۴
۲	بانک مشترک ایرانی-خارجی	(۱)	
۳	شعب بانک های خارجی در ایران	(۴)	
۴	موسسات تاسیس شده بعد از سال ۱۳۹۱	(۶)	
۵	بانک های و صندوق های تاسیس شده بعد از سال ۱۳۹۱	(۱۳)	
	تعداد نمونه در دسترس		
۶	بانک های غیر فعال در بورس	(۹)	۲۹
۷	عدم دسترسی به داده ها	(۶)	
	نمونه نهایی		
	۱۴		

مدل های رگرسیونی به ترتیب آزمون فرضیه ها

مدل اول

$$Z - SCORE_{it} = \beta_0 + \beta_1 Shadow\ Banking_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 IMR_{it} + \beta_5 IA_{it} + \beta_6 NCL_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل دوم

$$\begin{aligned} \text{Adequacy of capital}_{it} &= \beta_0 + \beta_1 \text{Shadow Banking}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_4 \text{IMR}_{it} + \beta_5 \text{IA}_{it} \\ &+ \beta_6 \text{NCL}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

متغیر وابسته

ریسک بانکی (Z-SCORE):

معیاری کلی برای ریسک بانکی Z-SCORE می باشد و به صورت زیر تعریف میشود:

$$z = \frac{\mu ROA + EA}{SD ROA}$$

که: μROA میانگین بازده داراییها (طریق تقسیم سود سالیانه، به کل دارایی شرکت) در سه سال اخیر، EA نسبت حقوق صاحبان سهام به داراییها و SDROA نیز انحراف معیار سه ساله بازده داراییهای بانک است. شاخص Z میزان ثبات بانک را نشان میدهد و معکوس آن احتمال ورشکستگی را بیان میکند (لیون و لون، ۲۰۰۹). مقادیر بالای شاخص Z نشاندهنده ریسک پایین و ثبات بالا برای بانک بوده و مقادیر پایین آن نیز حاکی از ثبات پایین و ریسک پذیری بالا است.

$$ROA = \frac{\text{Net Income}}{\text{Average Total Assets}}$$

کفایت سرمایه (Adequacy of capital):

نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه (سرمایه ثبت شده موسسه مالی نزد دولت) به مجموع دارایی های موزون شده به ضرایب ریسک برحسب درصد می باشد. این نسبت اولین بار در سال ۱۹۸۸ توسط کمیته بال به بانک های دنیا معرفی گردید. کمیته بال در آن سال مجموعه ای از شروط حداقل سرمایه را به بانک ها پیشنهاد کرد که بعدها به پیمان بال معروف شد. براساس قوانین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حداقل نسبت کفایت سرمایه مطلوب برای بانک های ایرانی معادل ۸ درصد است (نظام آباد و همکاران، ۱۳۹۵).

سرمایه پایه: منظور از سرمایه پایه در بانک ها و مؤسسات اعتباری، مجموع سرمایه اصلی و سرمایه تکمیلی پس از کسورات است.

$$\frac{\text{سرمایه پایه}}{\text{دارایی و تعهدات موزون شده بر حسب ریسک}} = \text{نسبت کفایت سرمایه}$$

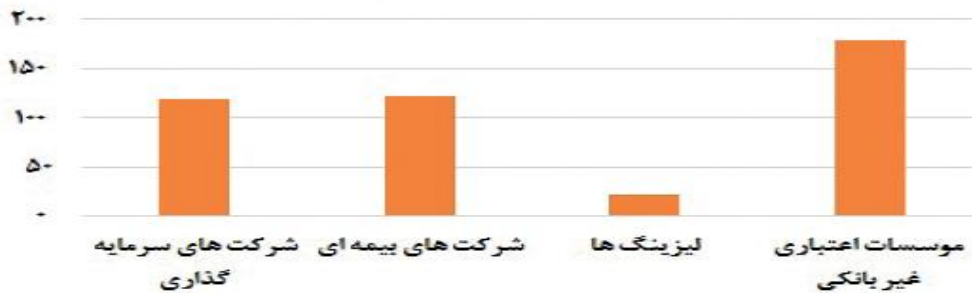
متغیر مستقل

بانکداری سایه (Shadow Banking):

به طور خلاصه بانکداری سایه شامل مجموعه ای از واسطه گری های مالی غیر بانکی مانند صندوق های سرمایه گذاری، شرکتها و مؤسسات پولی و مالی است که در واقع عملکرد بانکی را انجام میدهند اما تحت نظارت قوانین مدون نظام

بانکی نیستند. بانک های فعال ذیل بانکداری سایه، برخلاف بانک های سستی، میتوانند با آزادی عمل بیشتری نسبت به نظام بانکی اقدام به ارائه خدمات و محصولات و استفاده از ابزارهای متنوع موجود در بازارهای مالی نموده و کارمزدهای ارائه خدمات متنوع را متناسب با منافع خود و شرایط بازار رقابتی تغییر دهند. طبق پژوهشی که در سال ۱۳۹۲ توسط پژوهشکده پولی و بانکی انجام شد خلاصه دارایی های عوامل بانکداری سایه در ایران به شرح زیر بود:

میزان دارایی بانکداری سایه ای به تفکیک هر نهاد در سال
۹۲ (هزار میلیارد ریال)



مشاهده می شود که اگر میزان دارایی مؤسسات اعتباری، لیزینگها، بیمه ها و شرکتهای سرمایه گذاری افزایش پیدا کند، میزان و فعالیت بانکداری سایه نیز افزایش پیدا می کند؛ از این رو در پژوهش حاضر از لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی های مربوط به شرکتهای لیزینگ، موسسه های اعتباری و بیمه و ها و سرمایه گذاری به طور مجموع، استفاده شده است. لازم به توضیح است که اطلاعات مربوط به دارایی هر یک از این شرکتهای، از طریق نرم افزار رهاورد نوین قابل استخراج است (رحمت آبادی و صالح آبادی، ۱۳۹۶).

متغیر کنترلی

اندازه بانک (SIZE): لگاریتم کل دارایی های بانک.
سهام سپرده ها (DEP): کل سپرده ها به کل دارایی ها.
سهام تسهیلات اعطایی (LOA): کل تسهیلات اعطایی به کل دارایی ها.
ذخیره زیان تسهیلات اعطایی (LLR): ذخیره مطالبات مشکوک الوصول به مجموع اعتبارات اعطایی ناخالص.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آنها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. نگاره (۱)، آمار توصیفی داده های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می دهد.

جدول (۲): قسمت دوم آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
ریسک بانکی	۰.۶۳۹	۰.۶۶۶	۰.۸۴۷	۰.۳۱۷	۰.۱۰۷	-۱.۱۷۹	۴.۵۴۰
کفایت سرمایه	۰.۰۸۸	۰.۰۵۷	۰.۶۴۲	۰.۰۱۵	۰.۱۰۲	۳.۶۸۹	۱۸.۸۵۹
بانکداری سایه	۰.۳۵۸	۰.۳۳۹	۰.۵۸۳	۰.۱۵۵	۰.۱۲۷	۰.۰۳۹	۱.۷۴۶
اندازه بانک	۱۸.۴۰۶	۱۹.۱۲۱	۲۱.۵۲۰	۱۰.۴۵۹	۲.۹۱۱	-۱.۵۳۵	۴.۱۶۷
سهام سپرده	۰.۸۳۲	۰.۹۳۱	۰.۹۸۹	۰.۰۲۰	۰.۲۳۰	-۲.۳۹۴	۸.۲۸۴
سهام تسهیلات	۰.۶۲۲	۰.۶۴۶	۰.۷۶۳	۰.۴۵۷	۰.۰۵۵	-۰.۵۷۹	۳.۳۶۹
ذخیره زبان تسهیلات	۰.۴۴۶	۰.۴۹۸	۰.۴۹۹	۰.۱۱۲	۰.۱۱۴	-۱.۹۴۷	۵.۱۱۶

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای کفایت سرمایه برابر با (۰/۰۸۸) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر در آمار توصیفی کلی، برای اندازه بانک برابر با ۲.۹۱۱ و برای سهام تسهیلات برابر است با ۰.۰۵۵ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند.

ضریب همبستگی

جدول (۳): ضریب همبستگی

ضرایب همبستگی	ZSCORE	CAPITAL	BANK_SHADOW	SIZE	DEP	LOA	LLR
ZSCORE	۱						
CAPITAL	۰.۲۲۱۹۶۸	۱					
BANK_SHADOW	۰.۰۰۰۳۴۴	-۰.۲۳۶۷۳۰	۱				
SIZE	۰.۰۸۰۸۷۵	۰.۰۳۲۸۹۷	۰.۲۰۳۸۶۸	۱			
DEP	-۰.۰۰۵۰۲۹	۰.۰۴۴۹۲۱	۰.۰۱۳۵۹۰	۰.۶۱۱۱۵۲	۱		
LOA	۰.۰۱۷۶۳۹	۰.۰۲۹۷۵۹	-۰.۱۰۷۵۲۳	-۰.۰۶۷۵۱۴	۰.۱۳۹۹۹۰	۱	
LLR	-۰.۰۵۸۳۰۰	۰.۰۳۵۳۵۲	-۰.۲۳۴۳۱۸	-۰.۱۱۹۷۸۰	۰.۲۱۷۰۹۳	۰.۶۳۶۳۱۸	۱
سطوح معناداری	ZSCORE	CAPITAL	BANK_SHADOW	SIZE	DEP	LOA	LLR
ZSCORE	-----						
CAPITAL	۰.۰۲۸۰	-----					
BANK_SHADOW	۰.۹۹۷۳	۰.۰۱۸۹	-----				
SIZE	۰.۴۲۸۶	۰.۷۴۷۸	۰.۰۴۴۱	-----			
DEP	۰.۹۶۰۸	۰.۶۶۰۵	۰.۸۹۴۳	۰.۰۰۰۰	-----		
LOA	۰.۸۶۳۱	۰.۷۷۱۱	۰.۲۹۱۹	۰.۵۰۸۹	۰.۱۶۹۲	-----	
LLR	۰.۵۶۸۵	۰.۷۲۹۷	۰.۰۲۰۲	۰.۲۴۰۱	۰.۰۳۱۸	۰.۰۰۰۰	-----

معمولاً از جدول ضریب همبستگی برای کشف هم خطی ساده استفاده می‌شود. مشاهده می‌شود که هیچ‌یک از ضرایب بین متغیرهای مستقل بیش از ۸۰ درصد نیست و این مورد بیانگر عدم وجود همبستگی شدید بین متغیرهای مستقل است و هم خطی ساده وجود ندارد برای بررسی هم خطی چندگانه از آزمون تورم واریانس استفاده شده که نتایج نشان داد هم خطی چندگانه نیز بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

آزمون مانایی و نرمال بودن متغیرها

استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) در کارهای تجربی بر این فرض استوار است که متغیرهای سری زمانی موردنظر پایا هستند. این در حالی است که بسیاری از سری‌های واقعی در اقتصاد چنین نیستند. از این رو قبل از استفاده از این متغیرها لازم است نسبت به پایایی یا عدم پایایی آن‌ها اطمینان حاصل نمود. از این رو در ادامه آزمون مانایی برای متغیرهای پژوهش انجام شده است. نام دیگر توزیع نرمال، توزیع طبیعی یا تابع گاوسی است، زیرا این تابع را نخستین بار کارل فردریش گاوس پیشنهاد کرده است. این توزیع یکی از مهم‌ترین توزیع‌های احتمالی پیوسته در نظریه احتمالات است. برای بررسی توزیع نرمال متغیرها می‌توان از آزمون جارکو برا یا شاپیرو فرانسوا استفاده نمود که در پژوهش حاضر از شاپیرو فرانسوا استفاده شده است. موارد بسیاری وجود دارد که داده‌ها میل به جمع شدن در اطراف مقدار میانگین دارند. در چنین حالتی داده‌ها به سمت چپ یا راست تمایل ندارند، به این توزیع توزیع نرمال یا توزیع زنگوله‌ای گفته می‌شود.

جدول (۴): آزمون مانایی و توزیع نرمال برای متغیرهای پژوهش

نام متغیر	معناداری مانایی	معناداری توزیع نرمال	نتیجه
ریسک بانکی	۰.۰۰۲	۰.۰۰۰	مانا و فاقد توزیع نرمال
کفایت سرمایه	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	مانا و فاقد توزیع نرمال
بانکداری سایه	۰.۰۰۰	۰.۰۳۹	مانا و فاقد توزیع نرمال
اندازه بانک	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	مانا و فاقد توزیع نرمال
سهم سپرده	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	مانا و فاقد توزیع نرمال
سهم تسهیلات	۰.۰۰۰	۰.۰۴۸	مانا و فاقد توزیع نرمال
ذخیره زیان تسهیلات	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	مانا و فاقد توزیع نرمال
نرمال بودن مقادیر خطا			
فرضیه اول	۲.۱۳۱	۰.۳۴۴	توزیع نرمال دارد
فرضیه دوم	۲.۵۳۲	۰.۲۸۱	توزیع نرمال دارد

با توجه به جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود سطح معناداری همه متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرهاست.

نرمال بودن متغیرها

طبق نتایج آزمون مشاهده می‌شود که سطح معناداری همه متغیرها کمتر از ۵ درصد می‌باشد لذا دارای توزیع نرمال نیستند. سطح معناداری باقیمانده‌های مدل نیز بیشتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر نرمال بودن توزیع خطاهای باقی‌مانده در مدل‌های رگرسیونی فوق می‌باشد.

آزمون F لیمر (چاو) و آزمون هاسمن

گاهی اوقات داده‌هایی که ما با آن‌ها روبرو هستیم هم دربرگیرنده داده‌های سری زمانی و هم مقطعی می‌باشد. به چنین مجموعه‌ای از داده‌ها عموماً پانلی از داده‌ها یا پانل دیتا شناخته شده است. در برآورد مدل پانل دیتا با دو حالت کلی روبرو هستیم. حالت اول این است که عرض از مبدأ برای کلیه مقاطع یکسان است که در این صورت با مدل پول دیتا (pool data) مواجه هستیم. حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام مقاطع متفاوت است که به این حالت پانل دیتا (panel data) گفته می‌شود. برای شناسایی دو حالت فوق از آزمونی به نام اف- لیمر استفاده می‌شود. بنابراین آزمون اف- لیمر برای انتخاب بین روش‌های رگرسیون پول دیتا (تلفیقی) و رگرسیون با اثرات ثابت استفاده می‌شود.

در صورتی که میزان معناداری آماره‌ی چاو (prob) کمتر از سطح ۰.۰۵ باشد، داده‌های تابلویی (پانل دیتا) انتخاب می‌شود. در این حالت برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی باید آزمون هاسمن نیز انجام شود.

جدول (۵): نتایج آزمون اف لیمر (چاو)

نام مدل	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
فرضیه اول	۶.۵۶۱	۰.۰۰۰	داده‌های تابلویی
فرضیه دوم	۳.۷۳۲	۰.۰۰۰	داده‌های تابلویی

با توجه به جدول ۵، چون سطح معناداری آزمون اف لیمر در همه فرضیه‌ها کمتر از ۵ درصد است، از این رو رویکرد داده‌های تابلویی در مقابل رویکرد داده‌های تلفیقی مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

جدول (۶): نتایج آزمون هاسمن

نام مدل	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
فرضیه اول	۹۶.۲۰۳	۰.۰۰۰	اثرات ثابت عرض از مبدأ
فرضیه دوم	۸۵.۲۰۹	۰.۰۰۰	اثرات ثابت عرض از مبدأ

با توجه به جدول ۶، چون سطح معناداری آزمون در هر دو فرضیه کمتر از ۵ درصد است، از این رو اثرات ثابت عرض از مبدأ در مقابل اثرات تصادفی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

خودهمبستگی مقادیر خطا

در کارهای رگرسیونی فرض می‌شود که خطاهای مشاهده شده دوه‌دو نا همبسته هستند. اگر این فرض در اصل درست نباشد، انتظار خواهیم داشت که نمودار مانده‌ها در برابر ترتیب زمان، برای آشکار شدن عدم برقراری این فرض، ما را کمک کند. به رابطه همبستگی یک متغیر با یک دوره قبل خود، خودهمبستگی مرتبه اول گویند. خودهمبستگی سریالی رابطه بین متغیر داده شده با خود ولی با یک وقفه در فواصل زمانی مختلف می‌باشد.

جدول (۷): نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی (بریوش-گودفری)

مدل‌های پژوهش	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه
فرضیه اول	۱۰.۷۳۳	۰.۰۰۰	وجود خودهمبستگی سریالی
فرضیه دوم	۱۳.۷۵۲	۰.۰۰۰	وجود خودهمبستگی سریالی

با توجه به نتایج جدول شماره ۶، مشاهده می‌شود که سطح معناداری آزمون بریوش - گودفری در فرضیه‌های فوق کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی است، که با استفاده از دستور Auto Correlation در نرم‌افزار، این مشکل رفع شده است.

آزمون هم خطی

در آمار، عامل تورم واریانس (variance inflation factor=VIF) شدت هم خطی چندگانه را ارزیابی می‌کند. در واقع یک شاخص معرفی می‌گردد که بیان می‌دارد چه مقدار از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده بابت هم خطی افزایش یافته است. شدت هم خطی چندگانه را با بررسی بزرگی مقدار VIF می‌توان تحلیل نمود. اگر آماره آزمون VIF به یک نزدیک بود نشان‌دهنده عدم وجود هم خطی است. به‌عنوان یک قاعده تجربی مقدار VIF بزرگ‌تر از ۱۰ باشد هم خطی چندگانه بالا می‌باشد (سوری، ۱۳۹۴).

جدول (۸): آزمون هم خطی برای مدل رگرسیونی اول

نام متغیر	عامل تورم واریانس (VIF)
بانکداری سایه	۱.۰۸۵
اندازه بانک	۱.۳۵۸
سهام سپرده	۱.۴۳۳
سهام تسهیلات	۱.۹۷۰
ذخیره زیان تسهیلات	۲.۰۳۲

جدول (۹): آزمون هم خطی برای مدل رگرسیونی دوم

نام متغیر	عامل تورم واریانس (VIF)
بانکداری سایه	۱.۰۸۵
اندازه بانک	۱.۳۵۸
سهام سپرده	۱.۴۳۳
سهام تسهیلات	۱.۹۷۰
ذخیره زیان تسهیلات	۲.۰۳۲

همان‌طور که در نتایج آزمون هم خطی در جداول فوق قابل مشاهده است، مقادیر عامل تورم واریانس کمتر از عدد ۵ است که بیانگر عدم وجود هم خطی می‌باشد.

فرضیه اول

بانکداری سایه بر ریسک بانکی تاثیرگذار است.

جدول (۱۰): تخمین نهایی مدل رگرسیونی اول

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
بانکداری سایه	۰.۰۴۷	۰.۰۱۴	۳.۳۵۴	۰.۰۰۱
اندازه بانک	-۰.۰۵۷	۰.۰۱۱	-۴.۹۳۳	۰.۰۰۰
سهم سپرده	-۰.۰۱۵	۰.۰۰۷	-۲.۲۱۶	۰.۰۳۰
سهم تسهیلات	-۰.۲۵۵	۰.۱۳۰	-۱.۹۵۰	۰.۰۵۵
ذخیره زیان تسهیلات	-۰.۰۰۱	۰.۰۳۷	-۰.۰۳۲	۰.۹۷۳
عرض از مبدأ	۱.۹۷۷	۰.۲۴۸	۷.۹۵۹	۰.۰۰۰

با توجه به اینکه متغیر بانکداری سایه دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است از این رو می توان گفت که بانکداری سایه بر ریسک بانکی تاثیرگذار است.

ادامه جدول (۱۰): سایر آماره‌های اطلاعاتی

سایر آماره‌های اطلاعاتی	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۴۳۷
آماره فیشر - سطح معناداری آن	۴.۴۰۰
دوربین واتسون	۲.۲۸۴

ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۴۳ درصد می باشد که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۱.۵ و ۲.۵ است و نشان از برازش نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل است.

فرضیه دوم

بانکداری سایه بر کفایت سرمایه تاثیرگذار است.

جدول (۱۱): تخمین نهایی مدل رگرسیونی دوم

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
بانکداری سایه	-۰.۲۳۵	۰.۰۲۴	-۹.۷۶۸	۰.۰۰۰
اندازه بانک	۰.۰۷۳	۰.۰۰۶	۱۰.۸۲۷	۰.۰۰۰
سهم سپرده	-۰.۰۰۸	۰.۰۰۷	-۱.۱۸۱	۰.۲۴۱
سهم تسهیلات	۰.۲۸۶	۰.۰۶۴	۴.۴۷۲	۰.۰۰۰
ذخیره زیان تسهیلات	-۰.۰۰۷	۰.۰۲۰	-۰.۰۳۵	۰.۹۷۱
عرض از مبدأ	۱.۵۸۲	۰.۱۴۱	۱۱.۲۲۰	۰.۰۰۰

با توجه به اینکه متغیر بانکداری سایه دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است از این رو می توان گفت که بانکداری سایه بر کفایت سرمایه تاثیرگذار است.

ادامه جدول (۱۱): سایر آماره‌های اطلاعاتی

سایر آماره‌های اطلاعاتی		
۰.۷۱۲		ضریب تعیین تعدیل شده
۰.۰۰۰	۱۱.۸۳۴	آماره فیشر - سطح معناداری آن
۱.۹۲۳		دوربین واتسون

ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۷۱ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۷۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۱.۵ و ۲.۵ است و نشان از برازش نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل است.

نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد: بانکداری سایه بر ریسک بانکی تاثیر مستقیم معناداری دارد. و بانکداری سایه بر کفایت سرمایه تاثیر معکوس معناداری دارد. در این راستا وو و شین (۲۰۱۹) به بررسی تاثیر بانکداری سایه بر ریسک بانکی از دیدگاه کفایت سرمایه پرداختند. مونه آماری شامل ۵۹ بانک چینی است: دارایی‌های مالی خریداری شده تحت توافق‌های بازفروش، دارایی‌های مالی در دسترس برای فروش، و اوراق بهادار سرمایه گذاری دریافت شده. نتایج پژوهش فرضیه ریسک پذیری را تایید کرده و حاکمیت شرکتی خوب به طور معنی داری تاثیر بانکداری سایه بر ریسک پذیری را کاهش می‌دهد. همچنین ابو و سود (۲۰۱۷) به بررسی حاکمیت شرکتی و کفایت سرمایه بر ریسک پذیری بانک پرداختند. یافته‌ها نشان داد نتایج نشان داد که سهامداران متمرکز، با مالکیت مدیریت، هیات مدیره کوچکتر، و با مدیران خارجی کمتر، سرمایه گذاری‌های با ریسک کم را با توجه به کل دارایی، وام‌ها، و اقلام خارج از ترازنامه، اتخاذ می‌کنند. تاثیر کافی بودن سرمایه نیز قدرت بیش از حد اعطا می‌کند که منجر به حرکت به سمت مواضع با ریسک بیشتر می‌شود. سرانجام، بانکهایی که حاکمیت خوبی دارند، کمتر به سمت مواضع با ریسک زیاد می‌روند، حتی با نسبت سرمایه بیشتر طی بحران‌های مالی نسبت به دوره پیش از بحران. همچنین فیلکو و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از تئوری نمایندگی به بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و ریسک بانکی پرداخته شده است. با استفاده از پانل داده ۹۷ بانک بزرگ اروپایی در فاصله سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ بررسی شده و بدین وسیله بحران مالی بین المللی اخیر مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد که سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر ریسک بانکی تاثیر می‌گذارد. طی بحران مالی، سازوکارهای مختلف شرکتی می‌توانند تضاد نمایندگی را بین سهامداران و مدیران کاهش داده‌ها تسریع بخشد. در مدل تحقیق حاضر، اندازه بانک و سرانه تولید ناخالص داخلی نیز تاثیر قابل ملاحظه‌ای دارند. در راستای نتایج حاصل شده پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

یافته‌های حاصل از این پژوهش برای سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی حایز اهمیت است. آنها میتوانند با توجه به این موضوع که سازوکارهای راهبری شرکتی چگونه بر رفتار مدیران در خصوص افشای ریسک اثر می‌گذارد اقدام به تعدیل پیشنهادات و تصمیمات خود در خصوص معاملات سهام نمایند؛ زیرا همانطور که نتایج پژوهش نشان داد، شرکتهای با تمرکز مالکیت بالا، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و هیات مدیره مستقل، کمتر اقدام به افشای اطلاعات میکنند و این امر نشان از

ناقرینگی اطلاعاتی بالاتر در این شرکتها و در نهایت ریسک اطلاعاتی بالاتر است. بنابراین تحلیلگران و سرمایه گذاران باید صرف ریسکی از این بابت در نظر گیرند. همچنین سهامداران میتوانند با توجه به یافته های این پژوهش، در انتخاب اعضای هیات مدیره و مدیرعامل بهتر تصمیم گیری کنند؛ زیرا همانطور که نتایج نشان داد، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و استقلال هیات مدیره موجب کاهش افشای ریسک و ناقرینگی بالاتر اطلاعاتی میشود.

قانونگذاران نیز میتوانند در برقراری الزاماتی در خصوص ساختار راهبری شرکتی، به این یافته ها توجه داشته باشند. همچنین به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد میشود شرکت را ملزم به ارائه اطلاعات مربوط به گزارش فعالیت هیات مدیره و صورتهای مالی به صورت فایل های متنی نمایند تا قابلیت تحلیل محتوای آنها از طریق نرم افزار مهیا شود.

بانک ها باید هزینه نگهداری نقدینگی و هزینه کمبود نقدینگی را همراه با هم در نظر گرفته و به منظور نظارت بر فرآیند مدیریت بهینه نقدینگی خود سیستم موثر و کارآمدی داشته باشند.

بانک ها می بایست به منظور مدیریت وجوه نقد بانک، بازگشت به موقع منابع و جلوگیری از بلوکه شدن وجه نقد به سررسید سپرده ها و تسهیلات توجه کرده و آنها را با یک دیگر تطبیق دهند، به بیان دیگر بانکها همواره ورود و خروج منابع خود را بطور مستمر مورد پالایش قرار دهند.

بانک ها در انواع سپرده ها تنوع ایجاد کرده و تمرکز روی یک منبع از سپرده ها را به حداقل برسانند.

منابع

- ✓ پهلوانزاده، مسعود، (۱۳۸۶)، مروری بر رویکردهای جدید نسبت کفایت سرمایه در بانکها، (بر اساس بیانیه دوم کمیته مقررات و نظارت بانکی بازل)، مجله روند، شماره ۵۱، صص ۱۹-۶۱.
- ✓ تقوی، مهدی، احمدیان، اعظم، کیانوند، مهران، (۱۳۹۲)، تحلیلی بر تأثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر شاخص مالکیت بانک ها)، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال ۶، شماره ۱۹، صص ۴۵-۶۶.
- ✓ حسینی، علی، کمیته باسل چیست، روزنامه آفتاب، ۲۵/۰۶/۱۳۸۵.
- ✓ خدایی وله زاقرد، محمد، حسنی، محمد، زمان نژاد، پارمیس، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر تنوع مالکیت سهامداران بر ریسک پذیری بانکهای خصوصی ایران، کنفرانس بین المللی مدیریت و علوم انسانی، امارات- دبی، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.
- ✓ رحیمیان، نظام الدین، منصوریان نظام آباد، رضا، محبوب، محمدرضا، (۱۳۹۳)، بررسی ارتباط بین عملکرد و نسبت کفایت سرمایه در شبکه بانکی کشور مطالعه موردی (بانکهای تجاری دولتی، خصوصی و اصل ۴۴)، مجله بررسی های حسابداری. دوره ۲، شماره ۵، صص ۷۱-۹۰.
- ✓ رفیعی شمس آبادی، پریسا، کریمخانی، عباسعلی، (۱۳۹۰)، بررسی اندازه بهینه بانک از نظر اقتصادی (مطالعه موردی بانک سپه)، نسخه گزارشی بانک سپه، تهران اداره کل تحقیقات و کنترل ریسک بانک سپه.
- ✓ سیف، ولی الله، (۱۳۸۴)، کفایت سرمایه در نظام بانکی، ماهنامه حسابدار، شماره ۱۷۰، صص ۱۶-۸۶.
- ✓ طالبی، محمد، سلگی، محمد، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین ریسک و نسبت کفایت سرمایه: شواهدی از بانک های ایرانی، پژوهش های پولی و بانکی، سال نهم، شماره ۳۰، صص ۵۱۳-۵۴۳.

- ✓ فتاحی، شهرام، رضایی، مهدی، جاهد، طاهره، (۱۳۹۵)، تأثیر سلامت بانکی بر سودآوری بانک‌های تجاری: رویکرد رگرسیون پانل آستانه، راهبرد مدیریت مالی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۲۹-۵۰.
- ✓ وطن پرست، محمدرضا، بهتوئی، حسین، (۱۳۹۴)، بررسی ارتباط بین تمرکز مالکیت بانک با کفایت سرمایه، نقدینگی و ثبات سرمایه در بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس بین المللی پژوهشهای نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، استانبول، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ایلیا.
- ✓ عباسیان، محمدمهدی، حسین، کالجی، (۱۳۹۴)، بررسی نقش حسابرسی داخلی بر مدیریت ریسک بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس ملی اقیانوس مدیریت، شیراز، مرکز توسعه آموزشهای نوین ایران (متانا).
- ✓ نادى قمى، ولى، حاجى زاده، بهاره، گمار، عباس، (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر اهرم مالی و نقدینگی بر مدیریت سود و سرمایه بانک‌های تجاری ایران، فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، دوره ۳، صص ۱۳۱-۱۵۶.
- ✓ Angbazo, L. (1997). "Commercial Bank Net Interest Margins, Default risk, Interest- Rate Risk, and off- Balance Sheet Banking". *Journal of Banking and Finance*, Vol. 21, No. 1, Pp. 55-87.
- ✓ Buyuksalvarci, A. and H. Abdiglu. (2011). "Determinant of Capital Adequacy Ratio in Turkish Banks: A panel Data Analysis". *Academic journals*, Vol. 5, No. 27, Pp. 11199-11209.
- ✓ Christy, J.A., Matolcsy, Z.P., Wright, A., and Wyatt, A. (2013). "Do board characteristics influence the shareholders' assessment of risk for small and large firms?". *Abacus*. Doi: 10.1111/Abac.12005.
- ✓ Dong, Y., Meng, C., Firth, M. & Hou, W. (2014). Ownership structure and risktaking: Comparative evidence from private and state-controlled banks in China. *International Review of Financial Analysis*, 36, 120-130.
- ✓ Erkens, D, Hung M & Matos P. (2012). "Corporate governance in the 2007–2008 financial crisis: Evidence from financial institutions worldwide". *Journal of Corporate Finance*, 18: 389–411.
- ✓ Ghosh, S. (2014). Risk, capital and financial crisis : Evidence for GCC banks. *Borsa Istanbul Review*, 14(3), 145–157. <https://doi.org/10.1016/j.bir.2014.06.003>.
- ✓ Heba Abou-El-Sood, (2017) "Corporate governance structure and capital adequacy: implications to bank risk taking", *International Journal of Managerial Finance*, Vol. 13 Issue: 2, pp.165-185, <https://doi.org/10.1108/IJMF-04-2016-0078>.
- ✓ Hutchinson, M, Seamer, M & Chapple, L. (2013). "Institutional Investors, Risk/Performance and Corporate Governance: Practical Lessons from the Global Financial Crisis". *The International Journal of Accounting Symposium*, Zhongnan University of Economics and Law, China.
- ✓ Mathuva, D.M. (2009). "Capital Adequacy, Cost Income Ratio and the Performance of Commercial Banks: the Kenyan Scenario". *International Journal of Applied Economics and Finance*, Vol. 3, No. 2, Pp. 35-47.
- ✓ Rime, B. (2001). "Capital Requirements and Bank Behavior: Empirical Evidence for Switzerland". *Journal of Banking and Finance*, Vol. 25, No. 4, Pp. 789-805.
- ✓ Augusto Felícioa , Ricardo Rodrigues Hugh Grovec and Adam Greiner (2018) The influence of corporate governance on bank risk during a financial crisis. *Economic Research-Ekonomska Istraživanja*, 2018 VOL. 31, NO. 1, 1078–1090 <https://doi.org/10.1080/1331677X.2018.1436457>